

از صلیب تا چماق ... ! (مروری بر تبدیل و تغییر یک واژه) (موضوع مورد بحث در این مقاله را هرگز ندیده و نخوانده اید.)

دکتر بهرام گرامی
bgrami@yahoo.com

صلیب شکلی است که از دو محور متقاطع و عمود بر هم تشکیل یافته و به صورتی که محور عمودی آن بلندتر از محور افقی آن باشد به عنوان شاخص و نشان دین مسیحی در کلیساها و مراسم مذهبی دیده می‌شود. این صلیب نشانه چوبه داری است که عیسی مسیح را به آن کشیدند. صلیب به صورت دو محور مساوی، به رنگ سرخ، آرم سازمان صلیب سرخ جهانی (red cross) و نشان پرچم کشور سوئیس، مقر سازمان مزبور، نیز می‌باشد.

در ایران باستان، قرن‌ها قبل از میلاد مسیح، بر روی درفش آریائی نشان بزرگی وجود داشته که در زبان عهد هخامنشی "بولیب"، در متون هندی "ژولیب" و در فارسی "چلیب" یا "چلیبا" نامیده می‌شده است. بعدها عرب‌ها این نشان را بصورت معرب آن یعنی صلیب نامیدند. این نشان مهم آریائی در ابتدا به عنوان اشعه مهرپرستی یا چرخ خورشید (sun wheel) از یک نقطه بصورت چهار خط در چهار جهت بوده و بر سر هر خط ستاره‌ای وجود داشته است. در تخت جمشید هم تقریباً به همین صورت حجاری شده است. در کاوشهای "قره حسنلو" نیز جام زرینی بدست آمده که اکنون در موزه ایران باستان نگاهداری می‌شود و آن را دست کم بقدمت دوره هخامنشی و احتمالاً قدیم‌تر از آن می‌دانند. بر روی این جام، تصویر حیوانی است که



عرب‌های را می‌کشید و بر کپل حیوان این نشان دیده می‌شود: (شکل و مطلب بالا برگرفته از مقاله‌ی "چلیبا یا نشان آریائی" نوشته‌ی علیقلی محمودی بختیاری است که ابتدا در سال ۱۳۳۷، نزدیک به نیم قرن قبل، منتشر گردید و بار دیگر در سال ۱۳۵۱ در مجله شکرستان، صفحه ۱۶۷ تا ۱۸۱، به چاپ رسید.) در قرن گذشته، نازی‌های آریائی ابتدا علامت خود را شبیه به دو S عمود بر هم از نشان آریائی فوق اقتباس نمودند که بعداً آرم SS ها قرار گرفت و معروف به صلیب شکسته شد و در متون غربی امروز swastika نامیده می‌شود. این نشان متأسفانه به نام نشان ضد یهود نیز معروف شده که کاملاً برعکس تفکر نوع‌دوستی و بشردوستانه ایرانیان باستان است و نمونه بارز آن منشور کورش کبیر و فرمان آزادی یهودیان توسط او می‌باشد. به علاوه، واژه سواستیکا در اوستا به صورت هواستیکه مرکب از سه جزء هو+استی+کا به معنی "نشان هستی خوب" آمده است.

همانطور که اشاره شد لفظ عربی صلیب از واژه فارسی چلیب یا چلیبا گرفته شده است. در شعر قدیم فارسی، زلف چلیبا به زلف پرچین و شکن یا مجعد و مطابق یار اشاره داشته و تشبیه زلف محبوب به چلیبا تا حدی بوده که کلمه چلیبا خود به جای زلف بکار رفته و چلیبا کردن به معنی زلف و گیسو را آراستن آمده است. در بیت زیر از خواجه کرمانی چلیبا صفت زلف است و به صلیب نیز اشاره دارد و لعل عیسویان کنایه از لب سرخ‌رنگ خوبرویان ترسایی است که بوسه‌ای از آن جان می‌بخشد، همچنان که عیسی مسیح با معجزه خود مرده را زنده می‌کرده است. شاید کلمه قصه نشان از آن است که شاعر خود به این معجزه چندان اعتقادی نداشته است:

ز لعل عیسویان قصه مسیحا پُرس
ز چین زلف بتان معنی چلیبا پُرس
اصطلاح صلیب سوزاندن کنایه از مخالفت کردن با دین مسیح و روی گرداندن از آن است، با بیتی از اوحدی مراغه‌ای:
ترسا گر آن دو زلف چو زنار بنگرد
در حال همچو عود بسوزد صلیب را
چلیبا به معنی خمیده و پر خم نیز هست و از این رو چلیبا کردن به معنی تعظیم و تکریم و اظهار کوچکی آمده است، با
شاهدی از شاهنامه فردوسی:

همی خویشتن را چلیبا کند
به پیش خردمند رسوا کند
گیاهان خانواده کلم یا تیره خردل را هم از آن جهت که گل آنها دارای چهار گلبرگ عمود بر هم و صلیبی شکل است در زبان علمی گیاهشناسی خانواده Crucifers و در فارسی چلیبانیان می‌نامند. شیرینی معروف زولبیا را هم در گویش شیرازی زلیبی و در زبان هندی چلیبی می‌نامند که از چلیبا گرفته شده و هنوز تقدس آن بر جای مانده و در جشن‌ها و اعیاد خورده می‌شود و گمان می‌رود شباهت اولیه آن به چلیبا در گذشته بیش از شکل امروزی آن بوده است. ضمناً چلیبا نام نوعی رسم‌الخط است و چلیبانویسی به نوشتن کلمات بر روی هم یا به صورت کج و مکرر به قصد تمرین و خوش خط شدن گفته می‌شود، با دو بیت از صائب ناظر بر همین معنی:

این سطرهای آه که هر جا نوشته ایم
صفحه دل سیه از مشق تمنا کردیم
از روی آن دو زلف چلیبا نوشته‌ایم
کعبه را بتکده زین خط چلیبا کردیم

* * *

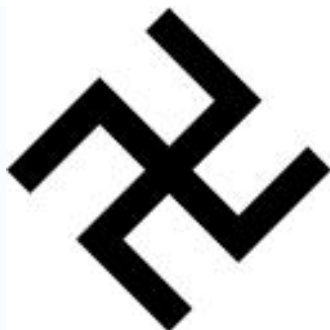
در کشور ارمنستان هزاران سنگ وجود دارد که بر روی آنها نقش صلیب کنده شده و آنها را چلیپاسنگ یا خاچکار می‌نامند، زیرا در زبان ارمنی خاچ به معنی صلیب یا چلیبا است و واژه خاچ هم از زبان ارمنی وارد فارسی شده و از این روست که در متون فارسی خاچ‌پرست یا چلیپا‌پرست به معنی مسیحی، عیسوی، نصرانی یا ترسا آمده است. در اصطلاح آرامنه جلفای اصفهان، خاچ‌شویان یا خاچ‌شویان مراسم عید مسیحی در روز ششم ژانویه می‌باشد. خاچ که کنایه از شکل صلیب است نام یکی از چهار خال ورق بازی است و بطور کلی هر چیز به این شکل را خاجی یا خاجی‌شکل (و به زبان انگلیسی club-shaped) می‌گویند، از جمله پائین‌ترین استخوان پشت بدن انسان را که به شکل خاچ سر به پائین است و پایه آن از بالا به استخوان‌های

دیگر متصل می‌شود استخوان خاجی می‌نامند. خال خاج در ورق بازی که در واقع یک برگ شیدر با سه برگچه است، در انگلیسی club نامیده می‌شود. این کلمه club مشتق از صلیب عربی (و در اصل از چلیپای فارسی) است و صدای س (یا در این جا صدای ص) به حرف انگلیسی C تبدیل گردیده است و همان طور که می‌دانیم در زبان انگلیسی از حرف C برای هر دو صدای ک و س استفاده می‌شود.

جالب آن که واژه club در انگلیسی، علاوه بر خاج، به معنی چماق (یا چوماق لفظ ترکی به معنی گرز برابر با باطوم در فرانسوی) نیز می‌باشد، زیرا سر چماق دارای برجستگی بزرگی به شکل خاج است. علاوه بر چوبدستی بازی گلف و هاکی، امروزه هر چوبدستی سنگینی را که قطر و وزن آن از یک سر به تدریج تا سر دیگر افزوده شود چماق می‌نامند. معمولاً انتهای کم قطر چماق را در دست می‌گیرند و به عنوان سلاح برای اعمال زور به کار می‌برند. قانون زور را قانون چماق (club law) هم می‌گویند، با بیتی از اوحدی مراغه‌ای که در آن ترس از زور حاکم بیش از ترس از خداست:

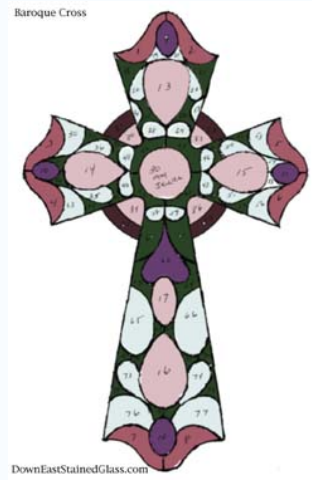
اعتماد تو بر چماق امیر
بیش بینم که بر خدای کبیر
از آن جا که در گروهی از بازی‌های ورق (مانند بریج یا حکم) در هر دست بازی به یک خال اختیار و قدرتی بیش از سه خال دیگر داده می‌شود - و آن خال را حکم یا trump می‌نامند - و از سوی دیگر واژه club به هر دو معنی خاج و چماق بکار می‌رود، لذا عبارت Clubs are trump today که ظاهراً به معنی "امروز حکم خاج است" به کنایه از "قانون زور امروز حاکم است" نیز به کار می‌رود.

با هشت تصویر به ترتیب مورد بحث در متن مقاله:





Baroque Cross



DownEastStainedGlass.com